

تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی مبتنی بر بنیادگرایی اسلامی

(با تأکید بر بعد نرم‌افزاری)

سید عباس احمدی^۱، مصطفی ساوه درودی^۲، محمود واثق^۳، عباس ملکی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۰

چکیده

جریان بنیادگرایی اسلامی، بنا به دلایلی نظیر؛ ضعف اقتصادی و سیاسی، گسترش استبداد، فساد و تنش‌های قومی و مذهبی و با حمایت‌های برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توانست در آسیای مرکزی به حیات خود تداوم بخشد. عملکرد گروه‌های بنیادگرا در کشورهای آسیای مرکزی، پیامدهای سیاسی - امنیتی قابل توجهی را برای منطقه حساس غرب آسیا رقم زده که آثار آن بیشتر کشورهای منطقه از جمله ج.ا.ا را هدف قرار داد. نوع پژوهش حاضر، کاربردی و روش آن توصیفی تحلیلی است. به منظور شناسایی تهدیدات امنیتی ج.ا.ا ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی در حوزه نرم‌افزاری و دستیابی به مدل مطلوب در این زمینه؛ بعد از توزیع پرسشنامه، اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای Spss و Amos، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج حاصله فرضیه پژوهش مبنی بر «تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در حوزه نرم‌افزاری شامل اندیشه مذهبی، اندیشه قومی و اندیشه نژادی است» را تأیید می‌نماید؛ ضمن اینکه مؤلفه اندیشه مذهبی، با اختلاف اندکی نسبت به اندیشه قومی دارای بیشترین میانگین بوده و این بدان معنی است که این مؤلفه بیشترین تأثیر را در تهدیدات امنیتی بعد نرم‌افزاری داشته است. همچنین با تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی ناشی از بنیادگرایی اسلامی (در بعد نرم‌افزاری) نیز مورد تأیید قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: تهدید امنیتی، جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، بنیادگرایی اسلامی، اندیشه مذهبی.

مقدمه

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران abbas_ahmadi@ut.ac.ir

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران mahmoodvasegh@ut.ac.ir

۳- عضو هیئت علمی دانشکده فارابی m_doroudi@yahoo.com

۴- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Farhad.m310@gmail.com

با پیچیده شدن ماهیت نظام بین‌الملل، بازیگران قدرت در صحنه غرب آسیا را می‌توان به شکل زیر تقسیم‌بندی نمود: نخست، بازیگران دولتی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) و دوم، بازیگران غیردولتی نوظهور (گروه‌های بنیادگرای تروریستی). در این میان، نکته تأمل برانگیز، پررنگ‌شدن نقش بازیگران غیردولتی همراه با توسعه‌طلبی است که می‌تواند تأثیرات جدی بر سطوح تعاملات در منطقه برجای بگذارد. در این محیط بازیگران - اعم از دولتی و غیردولتی - به‌عنوان عامل کشمکش به فرصت‌طلبی و یا ستیزه‌جویی می‌پردازند که ریشه رفتار آن‌ها نخست بر بُعد تاریخی الگوی توزیع قدرت تأثیر گذاشته و سپس مکمل‌های هویتی، قومیتی و مذهبی آن را تشدید می‌نماید. در این حالت بازیگران به یکدیگر بدبین بوده و مقام امنیت خود را در نابودی دیگری جستجو می‌نمایند؛ در واقع در این حالت بازی با حاصل جمع صفر میان بازیگران آغاز می‌شود.

آسیای مرکزی یکی از مهمترین مناطق جهان شناخته می‌شود که میراث‌دار جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و شمال و جنوب قاره آسیا محسوب می‌شود (بهمن، ۱۳۸۹: ۱۹). از سویی دیگر با چالش‌های امنیتی بسیاری در زمینه امنیت انرژی، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت، قاچاق انسان و بنیادگرایی افراطی روبه‌رو است (Lopour, 2015: 15). این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی اش نقش مهمی در سیاست‌های جهانی دارد. واقع شدن در قلب اوراسیا به عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت در جهان موجب شده است که بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی (جمهوری اسلامی ایران، روسیه، ترکیه، هند، چین و ایالات متحده آمریکا) برای تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر بپردازند (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۳). قرارداد داشتن این منطقه در مسیر اصلی تجارت به ویژه تجارت اسلحه و مواد مخدر بستر مناسبی را برای رقابت بازیگران غیردولتی فراهم کرده است و این عامل می‌تواند بستر و محرکی برای حضور گروه‌های بنیادگرا در این منطقه باشد. عملکرد گروه‌های بنیادگرا در کشورهای آسیای مرکزی، پیامدهای سیاسی - امنیتی قابل توجهی را برای منطقه حساس غرب آسیا رقم‌زده که آثار آن بیشتر کشورهای منطقه از جمله ج.ا.ا و حتی نظام بین‌الملل را هدف قرار داد. وجود گروه‌های بنیادگرای افراطی در این منطقه، ممکن است ساختارهای سیاسی ضعیف این کشورها را مبتلا کند و آن‌ها دچار عوارض متعددی گردند. همچنین این گرایش‌ها، نوعی قرائت نادرست و نامناسب از اسلام را به جهانیان ارائه خواهد کرد که عمدتاً با خوانش جمهوری اسلامی ایران در تغایر است. از طرفی به‌واسطه اشتراکات مذهبی با اهل تسنن، امکان ایجاد چالش از این ناحیه برای ج.ا.ا متصور خواهد بود؛ بنابراین بهره‌گیری مطلوب از قابلیت‌های موجود در این منطقه، مستلزم شناخت همه‌جانبه از اوضاع و احوال، نیازها و مقدرات این جمهوری‌ها بوده و در این صورت است که می‌توان فرصت‌ها و تهدیدهای مترتب با

جمهوری اسلامی را شناسایی نمود و در راستای تقویت فرصت‌ها و تقلیل تهدیدات و تبدیل آن‌ها به فرصت اقدام لازم را به عمل آورد. با توجه به امنیتی بودن ابعاد و نتایج حاصل از این پژوهش، به‌طور یقین نتایج علمی و مستند و قابل‌اتکای این پژوهش می‌تواند معیار و تکیه‌گاهی برای تصمیم‌گیری دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان عرصه‌های مختلف امنیتی، نظامی و حتی سیاسی کشور باشد و با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش بتوان ضمن شناسایی مهم‌ترین تهدیدهای کشور در حوزه حساس آسیای مرکزی و شناخت منشأ بروز آن‌ها، راهکارهای متصور در راستای مقابله و رفع این تهدیدها و حتی تبدیل آن‌ها به فرصت را فراهم آورد. این تحقیق با هدف «شناخت تهدیدات امنیتی ج.ا.ا ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی و دستیابی به مدل مطلوب در این زمینه، در پی پاسخ به این پرسش است که تهدیدات امنیتی ج.ا.ا ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی در حوزه نرم‌افزاری کدام است؟».

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

امنیت: شرایطی است که در آن احتمال آسیب بسیار کم است و اشاره به ایمنی ادراکات ذهنی دارد و بر این اساس امنیت به معنای یک وضعیت عاطفی و احساسی است که در آن ذهن انسان از هرگونه اضطراب و فشاری به دور است. هر تعریفی که از امنیت ارائه شود؛ نتایج خروجی‌های مختلفی دارد و هرکدام با ارزیابی خاص خود مواجه هستند (Krahmann, 2017: 54-62).

تهدید: تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت دادن است. لرنر تهدیدات را عبارت از هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد دانسته و معتقد است تهدیدات منافع ملی را هدف قرار می‌دهند. در پاره‌ای از متون نیز تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به مقاصد امنیت ملی تعریف شده است (مردیان، ۱۳۸۵: ۶۵).

تهدید امنیتی: تهدید امنیتی یعنی تهدید مرجع امنیت (سرزمین - ملت - ایده حکومت (بقاء حکومت). اهداف مرجع امنیت ملی اغلب مرتبط با حوزه‌های عمومی و دولتی است. به نظر می‌رسد موجودیت بخش‌های مختلف در یک کشور مثل بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛ همگی در مجموع اهداف مرجع امنیت ملی قرار داشته باشند. بنابراین هر تهدیدی که موجودیت آن‌ها را به خطر اندازد، امنیتی و علیه امنیت ملی خواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۳).

آسیای مرکزی: آسیای مرکزی که برگردان آن از واژگان روسی آسیای میانه خوانده شده است، در قلب آسیا و در منطقه‌ای قرار گرفته است که رودهای آن به آب‌های آزاد جهان راه نمی‌یابند (کولایی، ۱۳۹۲: ۱). اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است، اما معمولاً آن را دربرگیرنده کشورهای امروزی، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان می‌دانند. این منطقه از شمال به روسیه، از

جنوب به ایران و افغانستان، از شرق به چین و از غرب به دریای خزر متصل است (حاتمی، ۱۳۸۲: ۴۵). این بخش از دنیا دارای سه ویژگی بارز است: اولاً یک واسطه ژئوپلیتیک و جغرافیایی بین شرق و غرب، شمال و جنوب است و ثانیاً کشورهایی که در این منطقه واقع شده‌اند یک جبهه متحد مبارزه علیه تهدیدات فرامرزی را تشکیل داده‌اند و ثالثاً آسیای مرکزی به‌عنوان یک منطقه مستقل در حال توسعه است که رهبران سیاسی این منطقه باید تلاش‌های خود را برای ایجاد این سه تصویر واقعی از منطقه که قابل قبول برای جامعه جهانی است، انجام دهند (Wolff, 2017: 142).

بنیادگرایی اسلامی: اصطلاح بنیادگرایی بنفسه حامل بار مثبت و ارزنده مراجعه به ریشه‌ها و اصول و یک اصطلاح قدیمی است و به کسی اطلاق می‌شود که معتقد به معنای تحت‌اللفظی و کلمه به کلمه محتوای کتاب مقدس است و خود را مقید به تفسیر آن نمی‌داند (Hunter, 2015: 23). بنیادگرایی اسلامی نهضتی است که بر ارزش‌های اولیه اسلامی معتقد است و پیروزی و بهروزی کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش‌ها و اصول و اعتقادات اصلی اسلامی می‌داند یعنی این ایده نه از الگوی کشورهای غربی استفاده می‌کند و نه از الگوی کشورهای شرقی (آقا بخشی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

پیشینه تحقیق

سید داوود آقایی و محمدرضا دمیری در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان "بررسی نقش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی (مطالعه موردی از پاکستان)"، به بررسی این موضوع پرداخته که آیا بنیادگرایی اسلامی توانسته است در راستای افزایش قدرت و نفوذ خود زنگ خطر و تهدیدی جدی علیه حاکمیت برای این جمهوری‌ها به ویژه از پاکستان باشد؟ نتایج تحقیق، گروه‌های بنیادگرای اسلامی در جمهوری‌های آسیای مرکزی به ویژه جمهوری ازبکستان را جدی‌ترین رقیب و خطر علیه امنیت و حاکمیت این کشورها قلمداد نموده که خواهان ایجاد نوعی حکومت و نظام اسلامی در قالب خلافت می‌باشند.

حسینعلی انتظاری در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای با عنوان "نقش بنیادگرایی (وهابیت) در آسیای مرکزی و قفقاز" به بررسی این سوال پرداخته که حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی، از کجا سرچشمه گرفته و نهایتاً به کجا خواهد رسید؟ نتیجه کلی این تحقیق بیانگر این مهم است که جهان اسلام در یک رویکرد مذهبی-دینی چشم به هویت اصلی خود دارد. جنبش‌های اسلامی با برخورداری از پشتوانه وسیع مردمی - فکری و فرهنگی در سراسر سرزمین‌های آسیای مرکزی و قفقاز با تمسک به اسلام، به‌عنوان تنها راه حل مشکلات جوامع اسلامی می‌نگرند. هر چند که دارای ویژگیها، شعارها و خواسته‌های مشترک و متضادی هستند، بویژه آن‌که این جنبش‌ها در برخی از اقصای و طبقات اجتماع، ریشه داشته و در آینده، دگرگونیهای بزرگی را بوجود خواهند آورد.

سمیرا حسن زاده دانش آموخته دانشگاه علامه طباطبایی، در سال ۱۳۹۵ در پایان‌نامه‌ای با عنوان "گفتمان سلفی - تکفیری و امنیت منطقه خاورمیانه" به این سؤال پرداخته که چگونه گفتمان اسلام سلفی - تکفیری بر امنیت در منطقه خاورمیانه تأثیر گذاشته است؟ در پایان نتیجه‌گیری نموده که گفتمان اسلام سلفی - تکفیری با نفی اسلام متعادل، تکفیر شیعیان و بهره‌گیری از سلاح و روش‌های خشونت‌آمیز برای تشکیل خلافت اسلامی و نیز از طریق تقابل با کشورهای غربی و مسیحی، موجب موجی از اسلام‌هراسی در جهان شده است و از این طریق امنیت در منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است.

الهه کولایی و محمدجواد خوانساری در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان "جمهوری اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی" به بررسی نقش ایران در رشد و گسترش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با گذشت بیش از دو دهه از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، شواهد نشان می‌دهد برخلاف برخی تصورها و نظریه‌ها، ایران در رشد و گسترش بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی، از یکسو به دلیل شرایط داخلی کشورهای منطقه مانند تداوم نظام سیاسی اقتدارگرا در آن‌ها، مبارزه و رقابت قدرت‌های فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای و وجود رقبای ایدئولوژیک ایران در منطقه و از سوی دیگر، سیاست خارجی عمل‌گرایانه و مبتنی بر توسعه مناسبات اقتصادی، تجاری و فرهنگی جمهوری اسلامی و نیز نگاه به منطقه از دریچه روابط با روسیه به دلیل ملاحظات امنیتی، ایران تلاشی برای نقش داشتن در رشد و گسترش بنیادگرایی و حمایت از حرکات‌های تندروانه در منطقه نداشته است.

با توجه به پیشینه‌های ذکر شده می‌توان گفت؛ اگرچه تعداد زیادی مقاله، کتاب و پایان‌نامه، درباره گروه‌های بنیادگرا و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده، اما وجه غالب مغفول در آن‌ها، عدم ورود به حوزه تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی ناشی از بنیادگرایی اسلامی و دستیابی به مدل در این زمینه است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است. در خصوص گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و جهت جمع‌آوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش از روش میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. همچنین داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS مورد تحلیل قرار گرفت و مدل پژوهش بدست آمد. جامعه آماری پژوهش را صاحب‌نظران و نخبگان سیاسی، امنیتی صاحب‌نظر در مباحث امنیتی و مطلع از بنیادگرایی در آسیای مرکزی تشکیل می‌دهند که از این تعداد امکان

دسترسی به بیش از ۱۳۹ نفر از آنان برای محقق امکانپذیر نبود. بر همین اساس با توجه به روش تحقیق (توصیفی - تحلیلی)، محقق کلیه اعضای جامعه آماری را به صورت تمام شمار به عنوان حجم نمونه پژوهش انتخاب نمود. روایی داده به روش نظر خبرگی و توسط ۱۵ نفر از کارشناسان و متخصصان این حوزه تعیین گردید و پایایی آن نیز به از طریق آلفای کرونباخ ۰.۹۷ تعیین گردید.

جدول (۱)

تعداد گویه‌ها	ضریب استاندارد آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ
۳۰	۰/۹۷۴	۰/۹۷۴

یافته ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته های تحقیق

• عوامل موثر در شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی

نظریه جنبش‌های اجتماعی که به بررسی عوامل ساختاری همچون فقر و نابرابری، دسترسی به منابع، فرصت‌های سیاسی و ایدئولوژی می‌پردازد را می‌توان زمینه‌ای برای رشد بنیادگرایی افراطی در آسیای مرکزی محسوب نمود (جانباز و شیرخانی، ۱۳۸۸: ۶۶) اما ظهور و گسترش افراط‌گرایی مذهبی در سطح منطقه آسیای مرکزی را باید معلول سه دسته عوامل داخلی، خارجی و متفرقه به شرح زیر تلقی نمود:

۱- **عوامل داخلی:** ظهور و گسترده‌گی بنیادگرایی اسلامی در نتیجه اعمال محدودیت در امور مذهبی مردم و ایجاد یک خلاء ایدئولوژیک در سطح منطقه بوده است. علاوه بر خلاء ایدئولوژیک، ساختار حکومت‌های ایجاد شده در منطقه آسیای مرکزی در سال‌های پس از فروپاشی شوروی و اعلام جدایی کامل دین از سیاست نیز تأثیر غیر قابل انکاری بر رشد افراط‌گرایی مذهبی در این منطقه داشته و باعث تمایل بخش قابل توجهی از مسلمانان منطقه به افراط‌گرایی مذهبی شده است. براین اساس بسیاری از تحلیل‌گران ساختار سیاسی حاکم بر منطقه را مهمترین عامل رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه قلمداد می‌کنند (Gasimoglu, ۲۰۱۷:۲).

۲- عوامل خارجی: برخی رشد افراط‌گرایی در منطقه آسیای مرکزی را مانند سایر مناطق نشأت گرفته از رویه‌های نامناسب اعمال شده توسط غرب علیه دنیای اسلام در طول سال‌های اخیر می‌دانند. در این زمینه بر اساس یک نظرسنجی انجام شده در سطح منطقه در حدود ۴۰ درصد مردم قرقیزستان با جنگ افغانستان مخالف بوده و ۵۲ درصد نیز آن را یک فرآیند نامطلوب قلمداد می‌کنند (نوابی و شاه علی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). همچنین عملیات نظامی امریکا در افغانستان، نیز به دلایل مهاجرت طیف قابل توجهی از اعضای طالبان و القاعده به کشورهای منطقه، قرابت جغرافیایی افغانستان با آسیای مرکزی و از زمینه‌های مناسب ایدئولوژیک موجود در سطح منطقه، یکی از عوامل خارجی تشدید کننده بنیادگرایی دینی در سطح منطقه مطرح بوده است.

۳- عوامل متفرقه: علاوه بر موارد عنوان شده، مولفه‌های دیگری نیز در تقویت بنیادگرایی در حوزه موصوف موثر بوده‌اند که به سبب نقش موثر آن‌ها در بروز این معضل، خارج از دو حوزه عنوان شده قبلی تبیین گردیده و از آن جمله می‌توان به اقتدار سازمانی احزاب مذهبی منطقه، منابع هویتی مردمان منطقه، برخورد مقابله‌ای دولت‌های منطقه با هویت مذهبی مردم و ناتوانی دولت‌ها در اقماع گروه‌های مخالف و تامین خواسته‌های آن‌ها اشاره نمود (همان: ۱۲۸).

• **مولفه‌های تأثیرگذار بر تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی**

۱- اندیشه مذهبی

۱-۱- ایجاد شکاف‌های مذهبی: گروه‌های بنیادگرا از چند عارضه کلی در غرب آسیا سود می‌برند و برای بقای خود از آن تغذیه می‌کنند: یکی از آن‌ها وجود اختلافات قومی - مذهبی به خصوص شیعه - سنی است (ن. شفیع، مصاحبه با سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴). جریان بنیادگرایی در راستای ارائه تفسیری طایفه‌گرایانه، انطباق موقعیت و قدرت جغرافیایی با قدرت سیاسی را نیز به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف غرب آسیا با مرکزیت ایران تلقی می‌کند. دخالت تفاسیر طایفه‌گرایانه (اعم از شیعی یا سنی و غیره) کارکرد ژئوپلیتیک اسلامی را کاهش داده یا خنثی می‌نماید. اگرچه گروه‌های بنیادگرا با ادعای دفاع از اهل سنت ایران و احقاق حقوق این بخش از مسلمانان، مدعی مبارزه با نظام ج.ا.ا هستند اما عملکرد این جریان در برخورد با مخالفان خود - حتی اهل سنت - نشان می‌دهد آنان اهداف دیگری را دنبال می‌کنند.

۲-۱- ترویج و گسترش ناحیه‌گرایی مذهبی در ایران: از آنجا که اساس هویت در جامعه اهل تسنن، طایفه و مذهب است لذا به نوعی در برابر هویت اکثریت و حاکمیت قرار گرفته است.

از این رو احساس تهدید از چنین وضعیتی، میان دارندگان مذهب مشترک، نوعی سرخوردگی، همگونی و همگرایی فزاینده ایجاد کرده است (کاویانی راد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹). در مجموع باید گفت ناحیه گرای مذهبی در جامعه اهل تسنن ایران به شدت فعال است و این امر بیشتر به دلیل ویژگی‌های فرهنگی نواحی سنی نشین، جایگاه مولوی‌ها در جهت‌دهی به تفکرات ساکنین و ناهمگونی مذهبی با دیگر ساکنان کشور، حمایت‌های مالی و ایدئولوژیکی برخی کشورهای منطقه در قالب کمک به بنیادهای مذهبی، تبلیغ بنیادگرایی اسلامی و تفکرات سلفی است.

۱-۳- حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی: از جمله بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف بنیادگرایی است. با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را مسلمانان منحرف و بدعت‌گزار می‌نامد که احیاناً جوامع سنی در معرض تهدید و حمله‌ی آن‌ها قرار می‌گیرند (قرضاوی، ۲۰۰۸: ۴۱). اما طیف افراطی، بی‌واهمه، تشیع را دین خودساخته می‌خواند. این تصویرسازی ضد ایرانی و ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگی، همه‌روزه در حال به‌روز شدن است. دوقطبی کردن و تفسیر فرقه‌گرایانه از تحولات سیاسی منطقه بر مبنای شکاف شیعه و سنی، برآمده از این تصاویر ذهنی است که در امتداد خطوط ایدئولوژیک و دیرپای تاریخی انجام می‌پذیرد. تصاویری که مهم‌ترین محرک گروه‌های بنیادگرا برای اقدام علیه ایران به شمار می‌آیند و در نتیجه این انگاره پردازی، سلفی‌ها چنان به هویت سیاست خارجی ایران بدبین و بی‌اعتماد می‌شوند که بدترین تصورات و فرضیه‌ها همچون همدستی ایران با کفار علیه اهل سنت را می‌پذیرند و ایران را مسئول افول نقش تاریخی اعراب و تنزل جایگاه کشورهای عربی معرفی می‌نمایند. متعاقب این تصویرسازی، رابطه بنیادگرایی با جمهوری اسلامی ایران از میان حالات سه‌گانه روابط یعنی «تقابل»، «رقابت» و «همکاری»، عمدتاً در چارچوب «تقابل و رقابت» قابل تحلیل است؛ به عبارت دیگر، بر اساس ذهنیت فوق، منازعه و تقابل با جمهوری اسلامی ایران، طبیعی و لازم قلمداد می‌شود.

۲- اندیشه قومی

۲-۱- توسعه شکاف‌های قومی: بواسطه حیات طایفه‌ای و قومی جریان‌های بنیادگرا در آسیای مرکزی؛ گروه‌های وابسته و یا برخاسته از آن می‌توانند دارای ظرفیت‌های شتاب‌دهندگی به منازعات تاریخی و قومی در ج.ا.ا. شده و کارآمدی دینی را در توسعه اجماع و وحدت و همزیستی از اولویت خارج سازند و به تعبیری دیگر به قابلیت‌های تجزیه سرزمینی ج.ا.ا. سرعت بخشند (نصری، ۱۹۴: ۲۵).

۲-۲- **تقویت ناسیونالیسم قومی:** ناسیونالیسم قومی بر احساس وفاداری به مردم، گروه خاص فرهنگی و سرزمینی تأکید می‌کند. معمولاً طرفداران این ناسیونالیسم معتقدند که حقوق قومی و فرهنگی آن‌ها، از سوی گروه‌های اکثریت قومی که در دولت-ملت‌ها موقعیت برتر دارند نادیده گرفته می‌شود. از این رو در ملت-دولت‌هایی که گرایش مسلط در آن‌ها ناسیونالیسم فرهنگی-ملی است و نسبت به حقوق اقلیت‌های قومی بی‌توجه‌اند و یا در صدد محو آن هستند، پتانسیل پیوستن افراد به طرفداران ناسیونالیسم قومی افزایش می‌یابد (اسمیت، ۱۳۹۳: ۱۹۴). ناسیونالیسم قومی موجب تضعیف هویت ملی می‌شود و با توجه به اینکه در بدترین وضعیت، خواهان استقلال‌طلبی است، ممکن است حتی تمامیت ارضی کشور به مخاطره بیفتد.

۲-۳- **افزایش گروه‌ها و احزاب افراط‌گرای غیرقانونی قومی:** تشکیل یا افزایش سازمان‌ها، احزاب سیاسی، مذهبی و تشکل‌های پنهان و آشکار افراط‌گرای غیرقانونی قومی را که به صورت سازمان‌یافته و تشکیلاتی علیه حاکمیت اقدام می‌کنند، باید شاخصی از تهدید علیه ج.ا.ا دانست. یکی از فعالیت‌های برخی علمای افراطی و متعصب بنیادگرا علیه انقلاب اسلامی، ایجاد تشکیلات و احزاب تازه تأسیس برای مقابله با تشیع و انقلاب اسلامی ایران مانند تأسیس سواد اعظم اهل سنت، سپاه صحابه و لشکر جنگجوی و طیبه و تعمیم مبارزه مجدد و گسترده با فرهنگ انقلاب اسلامی و تشیع بوده است.

۳- اندیشه نژادی

۳-۱- **ایجاد تقارن بین ایرانیت و تشیع در مقابل عربیت و تسنن:** جریان بنیادگرایی در بستر فرهنگی با ایجاد تقارن بین قومیت ایرانی و مذهب شیعه از یکسو و تأکید بر تمایز و اختلاف آن با قومیت عربی و مذهب اهل سنت از سوی دیگر موجبات افتراق هرچه بیشتر آن‌ها را تدارک نموده و به اختلافات تاریخی بین اعراب و ایرانی‌ها دامن می‌زند. این موضوع آن‌چنان در فرهنگ سیاسی برخی گروه‌های بنیادگرا دارای اهمیت و اعتبار سیاسی است که امروزه هم عربیت و هم اسلام‌گرایی بنیادگرا در برخی کشورهای آسیای مرکزی حامل نوعی ضدیت با ایران و شیعه است (مقصودی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

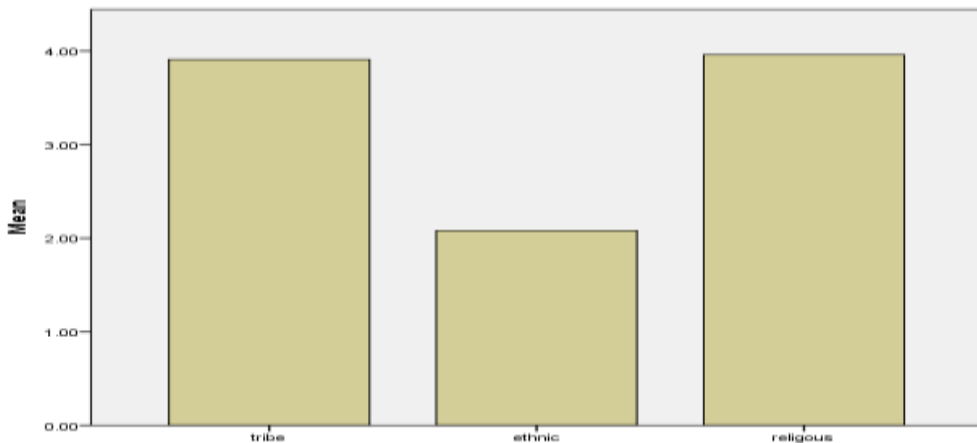
۳-۲- **تمایز گذاری بین گونه ایرانی تشیع و گونه عربی تشیع:** گروه‌های بنیادگرا همزمان با اتخاذ راهبرد ایجاد تقابل بین قومیت ایرانی و مذهب شیعه با قومیت عربی و مذهب اهل سنت استراتژی تکمیلی بر مبنای تمایز گذاری بین شیعیان کشورهای عربی و سایر کشورها و شیعیان ایران را مطرح می‌نمایند که هدف آن جذب شیعیان سایر کشورها است. این گروه‌ها با تمایز

گذاری بین گونه ایرانی و گونه عربی تشیع، شیعه ایرانی را متصل به تعبیری چون شیعه صفوی در مقابل شیعه علوی کرده و موجبات تضعیف تشیع و ناکارآمدی سیاست خارجی ایران را فراهم می‌نمایند.

۳-۳- القای انگاره اشغال‌شدگی به جمعیت اهل تسنن: در اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که در چند سال اخیر توسط گروه‌های تروریستی مذهبی و تکفیری همچون جیش‌الظلم علیه جمهوری اسلامی ایران و شیعیان صادر شده، همواره از واژگان اشغال، تجاوز و مانند آن‌ها برای توجیه کنش تروریستی و دعوت جوانان اهل سنت به گرایش و پیوستن به این گروه‌ها استفاده شده است (پور سعید، ۱۳۹۳: ۵). آن‌ها در اظهارات خود از واژه دولت صفوی و ارتش صفوی استفاده می‌کنند. استفاده از واژه ارتش صفوی یا دولت صفوی نیز به‌منزله آن است که این گروه‌ها برآنند تا اهداف جمهوری اسلامی را عیناً مانند اهداف دولت صفویه، بر دو اصل «توسعه‌طلبی ارضی» و «گسترش شیعه» تبیین کنند. به‌بیان‌دیگر، درصدد القای این انگاره هستند که سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه اهل سنت ایران، تحت اشغال و تجاوز رژیم حاکم بر ایران قرار گرفته‌اند.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای پاسخگویی به سؤال و فرضیه پژوهش با عنوان تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در حوزه نرم‌افزاری شامل اندیشه مذهبی، اندیشه قومی و اندیشه نژادی است؛ خروجی‌های نرم‌افزار ۲۲ spss به شکل زیر تحلیل می‌گردد:



نمودار شماره (۱) نمایش میانگین مؤلفه‌های بعد نرم‌افزاری تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی با تأکید بر بنیادگرایی اسلامی همان‌گونه که در نمودار بالا (شماره ۱) و جدول شماره (۱) مشاهده می‌کنید؛ میانگین آماری سه مؤلفه بعد نرم‌افزاری تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی با تأکید بر بنیادگرایی اسلامی که

عبارت‌اند از: اندیشه قومی، اندیشه نژادی و اندیشه مذهبی؛ به‌صورت مصور و آماری نمایش داده‌شده است. با توجه به داده‌ها، مؤلفه اندیشه مذهبی، با اختلاف اندکی نسبت به اندیشه قومی دارای بیشترین میانگین است و این بدان معنی است که این مؤلفه بیشترین تأثیر را در تهدیدات امنیتی بعد نرم‌افزاری به خود اختصاص داده است. از داده‌های موجود نیز این‌گونه برداشت می‌شود که مؤلفه اندیشه نژادی کمترین میانگین را در بین مؤلفه‌های بعد نرم‌افزاری تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی با تأکید بر بنیادگرایی اسلامی دارا بوده و کمترین تأثیر را در تهدیدات امنیتی بعد نرم‌افزاری به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۱) آمار توصیفی مؤلفه‌های بعد نرم‌افزاری

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد جامعه آماری	
۰/۶۸	۳/۹۱	۴/۸۰	۱	۱۳۹	اندیشه قومی
۰/۹۷	۲/۰۸	۵	۱/۲۰	۱۳۹	اندیشه نژادی
۰/۶	۳/۹۶	۴/۸۰	۱/۹۰	۱۳۹	اندیشه مذهبی
				۱۳۹	تعداد کل

جدول شماره (۲) آمار توصیفی شاخص‌های مؤلفه اندیشه قومی

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد جامعه آماری	
۰/۸۴	۴/۱۷	۵	۱	۱۳۹	ایجاد و توسعه شکاف‌های قومی
۰/۸۳	۴/۰۷	۵	۱	۱۳۹	تشدید رادیکالیسم قومی
۰/۷۴	۴/۰۲	۵	۱	۱۳۹	نفوذ به دایره قومی اهل سنت
۰/۹۹	۴/۰۰۸	۵	۱	۱۳۹	تهدید بر انسجام سیاسی- اجتماعی قومیتی
۰/۹۷	۴	۵	۱	۱۳۹	گسترش تمایلات واگرایانه و استقلال‌طلبانه قومی
۰/۸۲	۳/۹۴	۵	۱	۱۳۹	سیاسی نمودن مسئله قومیت‌ها
۰/۹۱	۳/۸۲	۵	۱	۱۳۹	فعال نمودن هویت‌های فرو ملی
۰/۸۲	۳/۷۹	۵	۱	۱۳۹	ایجاد بحران‌های ساختگی قومی

متمم نمودن نظام ج.ا.ا به اصلاح قومی	۱۳۹	۱	۵	۳/۶۹	۰/۸۶
کاهش مشارکت اقوام در سرمایه‌گذاری‌های محلی و ملی	۱۳۹	۱	۵	۳/۵۶	۰/۹۳
تعداد جامعه آماری	۱۳۹				

با توجه به داده‌های جدول، در مؤلفه اندیشه قومی، شاخص‌های ایجاد و توسعه شکاف‌های قومی و کاهش مشارکت اقوام در سرمایه‌گذاری‌های محلی و ملی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین این شاخص‌ها، بیشترین و کمترین تأثیر را در تهدیدات امنیتی بعد نرم‌افزاری (مؤلفه اندیشه قومی) به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۳) آمار توصیفی شاخص‌های مؤلفه اندیشه نژادی

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد جامعه آماری
۰/۶۴	۳/۱۹	۵	۱	۱۳۹
۰/۸۸	۲/۴۳	۵	۱	۱۳۹
۰/۸۵	۲/۴۱	۵	۱	۱۳۹
۰/۸۱	۲/۳۷	۵	۱	۱۳۹
۱/۲۶	۱/۷۸	۵	۱	۱۳۹
۱/۳۲	۱/۷۸	۵	۱	۱۳۹
۱/۲۵	۱/۷۸	۵	۱	۱۳۹
۱/۱۷	۱/۷۳	۵	۱	۱۳۹
۱/۱۲	۱/۶۸	۵	۱	۱۳۹
۱/۱۱	۱/۶۶	۵	۱	۱۳۹
				۱۳۹

با توجه به داده‌های جدول، در مؤلفه اندیشه نژادی، شاخص‌های تقلیل اسلام‌محوری به ایران هراسی و شکل دادن به جنبش‌های نژادی ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را به خود اختصاص

داده است؛ بنابراین این شاخص‌ها، بیشترین و کمترین تأثیر را در تهدیدات امنیتی بعد نرم‌افزاری (مؤلفه اندیشه نژادی) به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۴) آمار توصیفی شاخص‌های مؤلفه اندیشه مذهبی

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	تعداد جامعه آماری
۰/۷۹۱۸۰	۴/۱۵	۵	۲	۱۳۹
ایجاد و توسعه شکاف مذهبی				
۰/۷۵۷۲۰	۴/۱۴	۵	۲	۱۳۹
فعال‌سازی جنبش‌های سلفی - تکفیری				
۰/۷۲۷۹۲	۴/۱۴	۵	۲	۱۳۹
ایجاد جنبش‌های سلفی - تکفیری				
۰/۷۴۰۴۹	۴/۱۲	۵	۲	۱۳۹
رادیکالیزه کردن اندیشه‌های سلفی - تکفیری				
۰/۸۶۷۹۹	۳/۹۸	۵	۲	۱۳۹
چند گونه‌سازی قرائت‌های قدرت و حاکمیت اسلامی				
۰/۷۳۱۲۱	۳/۹۰	۵	۲	۱۳۹
گسترش و ترویج ناحیه‌گرایی مذهبی				
۰/۸۹۱۴۶	۳/۸۷	۵	۲	۱۳۹
تشدید حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی				
۰/۸۵۳۴۰	۳/۸۲	۵	۱	۱۳۹
سازمان‌دهی افراد و تشکل‌های ناراضی حول محور هویت مذهبی				
۰/۹۲۶۱۱	۳/۷۹	۵	۱	۱۳۹
ترویج نظریه احیای خلافت				
۱/۰۹۳۸۲	۳/۶۶	۵	۱	۱۳۹
رواج ایدئولوژی نفرت				
				۱۳۹
				تعداد جامعه آماری

با توجه به داده‌های جدول، در مؤلفه اندیشه مذهبی، شاخص‌های ایجاد و توسعه شکاف مذهبی و رواج ایدئولوژی نفرت به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین این شاخص‌ها، بیشترین و کمترین تأثیر را در تهدیدات امنیتی بعد نرم‌افزاری (مؤلفه اندیشه مذهبی) به خود اختصاص داده است.

به‌منظور رتبه‌بندی آماری سه مؤلفه بعد نرم‌افزاری، از آماره فریدمن استفاده گردید که نتایج آن در جداول زیر آمده است. بر مبنای داده‌های جدول، رتبه‌بندی سه مؤلفه به ترتیب شامل اندیشه مذهبی، اندیشه قومی و اندیشه نژادی است. با توجه به جدول خی دو که اطلاعات آن به این شرح است ($X^2=155,29, df=5, p=0.00 (p<0.05)$) این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که تفاوت این مؤلفه‌ها به لحاظ آماری نیز معنادار است.

جدول شماره (۵)

رتبه‌بندی

میانگین رتبه	
۲/۴۶	اندیشه مذهبی
۱/۱۵	اندیشه نژادی
۲/۳۹	اندیشه قومی

جدول شماره ۶

آزمون فریدمن

تعداد جامعه آماری	۱۳۹
خی دو	۱۵۵/۲۹
درجه آزادی	۲
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از جداول و نمودارها می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی با تأکید بر بنیادگرایی اسلامی در بعد نرم‌افزاری شامل اندیشه مذهبی، اندیشه قومی و اندیشه نژادی است که به‌صورت مصور و آماری نمایش داده شده است؛ بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

تعیین روایی و استانداردسازی مدل

با توجه به طبیعت داده‌ها، روش تجزیه و تحلیل مناسب آماری، تحلیل عاملی تأییدی^۱ بود که این کار به روش مدل معادلات ساختاری^۲ و به‌وسیله نرم‌افزار AMOS انجام گرفت.

۱- پارامترهای مدل

در این مطالعه جهت انجام تحلیل عاملی، شاخص کفایت حجم نمونه کیسر^۳ $0/71$ به دست آمد که نشان‌دهنده فاکتور پذیری گویه‌های پرسشنامه است. همچنین مقدار خی دو آزمون بارتلت

۱. CFA
۲. SEM
۳. Kaiser

جدول شماره (۷)

KMO and Bartlett's Testa

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		0/71
Approx. Chi-Square		10305/41
Bartlett's Test of Sphericity	df	1770
	Sig.	1/00

a. Based on correlations

برای استانداردسازی، تأیید و یا رد گزینه‌های مدل پیشنهادی، با در نظر گرفتن شرایط پژوهش حاضر، بهترین رویه آماری تحلیل عاملی تأییدی^۱ است. برای اجرای تحلیل عاملی تأییدی، از نرم‌افزار AMOS، با اجرای مدل‌سازی مربعات ساختاری^۲ یا SEM استفاده گردید که پارامترهای تأیید مدل یا نیکویی برازش به شرح زیر است:

جدول شماره (۸) نیکویی برازش^۳

Model	RMR	GFI	AGFI	PGFI
Default model	0/086	0/91	0/4	0/42

شاخص نیکویی برازش نشان می‌دهد که ماتریس کواریانس مدل تا چه حد نزدیک به ماتریس کواریانس نمونه‌ای است. همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، شاخص نیکویی برازش برابر با 0/91 است که مقداری قابل قبول برای تأیید این پارامتر در ارزیابی مدل است. بازه قابل قبول برای این پارامتر عدد بزرگ‌تر از 0/9 است. مقدار خی دو، به‌طور سنتی برای ارزیابی برازش کلی یک مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورتی که در سطح 0/05، معنادار نباشد، مدل مناسب را نشان می‌دهد. در این پژوهش مقدار خی دو برابر ($(p > 0/05)$) $(X^2=2,18 p=0/8)$ است. این بدان معناست که مقدار خی دو به‌دست آمده مناسب است.

جدول شماره (۹) CMIN

Model	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF
-------	------	------	----	---	---------

Model	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF
Default model	۶۳	۴۹۸/۹۷	۴۰۲	۰/۰۰۰	۱/۴۱

پارامتر CMIN/DF یکی از شاخص‌های مهم نیکویی برازش بوده که بازه قابل قبول آن بین ۱ و ۳ است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این مقدار ۱/۴۱ است یعنی این پارامتر هم تأییدی بر مناسب بودن مدل است.

جدول شماره (۱۰) Baseline Comparisons

Model	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI
	Delta ^۱	rho ^۱	Delta ^۲	rho ^۲	
Default model	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۵۴	۰/۵	۰/۹۷

در این جدول، شاخص نسبی مقایسه‌ای^۱، باید بالاتر از ۰/۹ باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار این شاخص ۰/۹۷ بوده که مقدار قابل قبولی در ارزیابی مدل است.

جدول شماره (۱۱) جذر میانگین مربعی خطای تقریب^۲

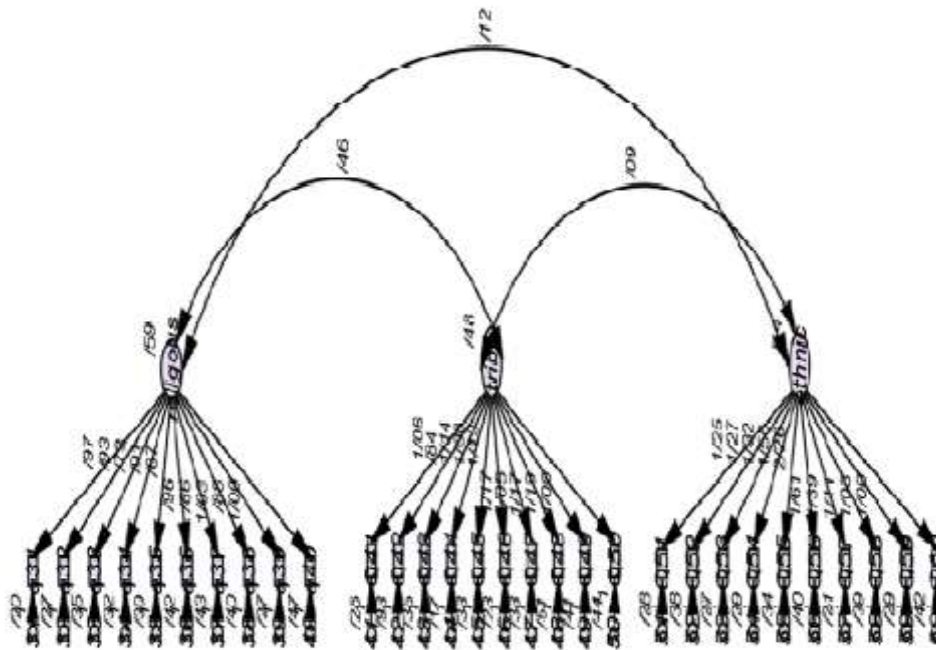
Model	RMSEA	LO ۹۰	HI ۹۰	PCLOSE
Default model	۰/۰۸۵	۰/۱۹	۰/۲	۰/۰۰۰
Independence model	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۰۰۰

شاخص جذر میانگین مربعی خطای تقریب، نشان می‌دهد که مدل پژوهش توانسته است ماتریس واریانس-کوواریانس جامعه را برازش دهد. این شاخص به‌عنوان یکی از آگاهی‌بخش‌ترین شاخص‌ها بکار می‌رود زیرا به تعداد پارامترهای برآورد شده در مدل حساس است؛ یعنی در شرایط یکسان، مدلی را انتخاب می‌نماید که تعداد پارامتر کمتری داشته باشد. مقدار این شاخص باید بین ۰ و ۱ باشد که هرچه قدر کوچک‌تر باشد نشان‌دهنده تناسب بهتر مدل است. همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود؛ مقدار این شاخص در پژوهش، برابر با ۰/۸ بوده که بیانگر این است که فرض قابل قبول برای نیکویی برازش یا تناسب مدل رعایت شده است. با در نظر گرفتن مقادیر گفته‌شده در جداول بالا که همگی مقادیر مناسب و قابل قبول برای نیکویی برازش مدل را تأیید نمودند؛ این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که مدل ارائه‌شده دارای نیکویی برازش بسیار بالایی برای داده‌های جمع‌آوری شده است.

^۱. comparative fit index (CFI)

^۲.RMSEA

۲- مدل استاندارد شده حاصل از ارزیابی تناسب مدل



شکل شماره (۱): مدل استاندارد شده

برای تصمیم‌گیری در مورد حفظ و یا حذف گویه‌های مدل، باید برای هر گویه، مقدار خطای استاندارد^۱ و نیز مقدار بحرانی^۲ و مقدار p مرجع^۳ بررسی شود. اگر مقادیر این سه پارامتر، در حد قابل قبول باشد (S.E<1,CR>1,۹۶, P-VALUE<۰,۰۵) در این صورت گویه‌ها را می‌توان حفظ نمود ولی چنانچه هریک از این مفروضات رعایت نگردد و مقادیر سه پارامتر خارج از حد قابل قبول باشد، باید گویه را حذف نمود.

جدول شماره (۱۲)- وزن رگرسیون (مدل پیش فرض تعداد گروه‌ها)

P مرجع	خطای بحرانی	خطای استاندارد	تخمین	
***	۱۴/۰۱	۰/۰۸۱	۱/۱۳	اندیشه قومی <--- سوال ۳۰
***	۱۳/۶۴	۰/۰۸۷	۱/۱۸	اندیشه قومی <--- سوال ۲۹
***	۱۲/۹۷	۰/۰۹۰	۱/۱۷	اندیشه قومی <--- سوال ۲۸
***	۱۳/۵۸	۰/۰۷۷	۱/۰۵	اندیشه قومی <--- سوال ۲۷
***	۱۴/۰۱	۰/۰۸۱	۱/۱۳	اندیشه قومی <--- سوال ۲۶
***	۱۵/۲۳	۰/۰۷۱	۱/۰۷	اندیشه قومی <--- سوال ۲۵
***	۱۳/۸۴	۰/۰۸۲	۱/۱۳	اندیشه قومی <--- سوال ۲۴
***	۸/۸۵	۰/۰۹۵	۰/۸۴	اندیشه قومی <--- سوال ۲۳
***	۱۴/۳۴	۰/۰۷۴	۱/۰۵	اندیشه قومی <--- سوال ۲۲
***	۱۴/۹۶	۰/۰۷۸	۱/۱۷	اندیشه قومی <--- سوال ۲۱
***	۱۳/۰۳	۰/۰۶۷	۰/۸۷	اندیشه نژادی <--- سوال ۲۰
***	۷/۴۱	۰/۱۳۸	۱/۰۲	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۹
***	۷/۱۸	۰/۱۵۴	۱/۱۰	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۸
***	۸/۴۹	۰/۱۶۴	۱/۳۹	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۷
***	۸/۱۵	۰/۱۹۸	۱/۶۱	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۶
***	۸/۴۱	۰/۱۸۵	۱/۵۶	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۵
***	۸/۱۶	۰/۱۶۲	۱/۳۲	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۴
***	۷/۶۴	۰/۱۶۶	۱/۲۷	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۳
***	۷/۹۷	۰/۱۵۷	۱/۲۵	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۲
***	۸/۸۳	۰/۲۵۶	۲/۲۶	اندیشه نژادی <--- سوال ۱۱
***	۸/۸۵	۰/۰۹۵	۰/۸۴	اندیشه مذهبی <--- سوال ۱۰
***	۱۴/۲۹	۰/۶۱	۰/۸۷	اندیشه مذهبی <--- سوال ۹
***	۱۴/۰۸	۰/۰۷۳	۱/۰۲	اندیشه مذهبی <--- سوال ۸
***	۱۲/۶۵	۰/۰۶۸	۰/۸۵	اندیشه مذهبی <--- سوال ۷



P مرجع	خطای بحرانی	خطای استاندارد	تخمین	
***	۱۳/۴۶	۰/۰۷۲	۰/۹۶	اندیشه مذهبی ---> سوال ۶
***	۱۳/۰۳	۰/۰۶۷	۰/۸۷	اندیشه مذهبی ---> سوال ۵
***	۱۴/۰۳	۰/۰۶۵	۰/۹۱	اندیشه مذهبی ---> سوال ۴
***	۱۲/۲۳	۰/۰۶۰	۰/۷۳	اندیشه مذهبی ---> سوال ۳
***	۱۴/۶۸	۰/۰۶۴	۰/۹۳	اندیشه مذهبی ---> سوال ۲
***	۱۵/۶۷	۰/۰۶۲	۰/۹۶	اندیشه مذهبی ---> سوال ۱

همان‌طور که در جدول بالا و شکل متناظر با آن (شکل شماره ۱) ملاحظه می‌شود؛ تمام شرایط پیش‌گفته در مورد هر یک از گویه‌ها رعایت شده است یعنی برای هر گویه مقدار خطای استاندارد کمتر از ۱ و مقدار خطای بحرانی بیشتر از ۱/۹۶ و مقدار P مرجع کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین به‌طور قاطع می‌توان گفت؛ مدل پیشنهادی به‌طور کامل تأیید شده است. در نتیجه مدل پیشنهادی به لحاظ آماری، یک مدل تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی با تأکید بر بنیادگرایی اسلامی (در بعد نرم‌افزاری) است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر، با هدف پاسخ به این سوال که تهدیدات امنیتی ج.ا.ا ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی در حوزه نرم‌افزاری کدام است و در راستای دستیابی به مدل تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی ناشی از بنیادگرایی اسلامی، شکل گرفت. بعد از انجام مطالعات کتابخانه‌ای، توزیع پرسشنامه، اطلاعات جمع‌آوری شده به‌وسیله نرم‌افزار Spss (آزمون‌های دو) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج حاصله؛ فرضیه تحقیق مبنی بر «تهدیدات امنیتی ج.ا.ا در آسیای مرکزی ناشی از فعالیت‌های بنیادگرایی اسلامی در حوزه نرم‌افزاری شامل اندیشه مذهبی، اندیشه قومی و اندیشه نژادی» را تأیید نمود. در ادامه برای احصاء میزان اهمیت گویه‌های (شاخص‌ها) مربوط به هر مؤلفه، از آزمون فریدمن استفاده شد که مشخص گردید؛ اولویت‌بندی شاخص‌های مربوط به مؤلفه اندیشه مذهبی به ترتیب شامل: ایجاد و توسعه شکاف مذهبی، فعال‌سازی جنبش‌های سلفی - تکفیری، ایجاد جنبش‌های سلفی - تکفیری، رادیکالیزه کردن اندیشه‌های سلفی - تکفیری، چند گونه‌سازی قرائت‌های قدرت و حاکمیت اسلامی، گسترش و ترویج ناحیه‌گرایی مذهبی، تشدید حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی، سازمان‌دهی افراد

و تشکل‌های ناراضی حول محور هویت مذهبی، ترویج نظریه احیای خلافت، رواج ایدئولوژی نفرت.

اما اولویت‌بندی شاخص‌های مربوط به مؤلفه اندیشه قومی به ترتیب شامل: ایجاد و توسعه شکاف‌های قومی، تشدید رادیکالیسم قومی، نفوذ به دایره قومی اهل سنت، تهدید بر انسجام سیاسی - اجتماعی قومیتی، گسترش تمایلات واگرایانه و استقلال‌طلبانه قومی، سیاسی نمودن مسئله قومیت‌ها، فعال نمودن هویت‌های فرو ملی، ایجاد بحران‌های ساختگی قومی، متهم نمودن نظام ج.ا.ا. به اصلاح قومی، کاهش مشارکت اقوام در سرمایه‌گذاری‌های محلی و ملی.

در نهایت نیز اولویت‌بندی شاخص‌های مربوط به مؤلفه اندیشه نژادی به ترتیب عبارت است از: تقلیل اسلام‌محوری به ایران هراسی، برجسته‌سازی اختلافات نژادی در داخل و خارج، سازمان‌دهی افراد و تشکل‌های ناراضی حول محور هویت نژادی، ایجاد بحران‌های ساختگی نژادی، نژادگرایی و رشد افکار ناسیونالیستی، هم‌راستایی منافع گروه‌های بنیادگرا با سطح مطالبات نژادی، تضعیف هویت ایرانی، گسترش خشونت‌های مبتنی بر نژاد، برجسته‌سازی برتری نژاد غیر ایرانی بر ایرانی، شکل دادن به جنبش‌های نژادی.

نتیجه حاصل از این پژوهش آن که مناطق پیرامونی ج.ا.ا. بسیار شکننده است و این شکنندگی می‌تواند آثار و پیامدهای غیرقابل‌پیش‌بینی داشته باشد. با توجه به اینکه اکثر جمعیت اهل سنت کشور در مرزهای شرقی، غربی، شمالی و جنوبی ساکن هستند و با توجه به فعالیت این گروه‌ها در کشورهای آسیای مرکزی و ارتباط بخشی از اهل سنت با گروه‌های بنیادگرا و با توجه به بافت شکننده اهل سنت در برخی مناطق مرزی کشور، به‌طور حتم تأثیراتی بر امنیت و منافع ملی ج.ا.ا. خواهد داشت. واقعیت میدانی این است که تهدید فرهنگی و ایدئولوژیک گروه‌های بنیادگرای افراط‌گرایی از خطر نظامی و امنیتی آن‌ها مهم‌تر و مخاطره‌آمیزتر است. در حال حاضر، گسترش شکاف میان شیعه و سنی به یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌ثبات‌کننده منطقه غرب آسیا تبدیل شده و به نظر می‌رسد پایانی برای آن قابل‌تصور نیست. گروه‌های بنیادگرا ثابت کرده‌اند که پرچم‌داران اصلی گفتمان ضدیت با شیعیان هستند. آن‌ها در پی اخلاص ایدئولوژیکی برای جمهوری اسلامی هستند. سکونت اهل سنت در ۱۵ استان کشور (اغلب هم‌مرز با کشورهای عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان و کشورهای حوزه خلیج‌فارس)، سهولت تردهای مرزی، اشتراکات قومی و مذهبی با کشورهای یادشده، تبلیغات گسترده جریان وهابیت و دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی و سیاه‌نمایی از وضعیت اهل سنت ایران با استفاده از فضای

مجازی، شبکه‌های ماهواره‌ای و از طریق تربیون‌های مساجد و حوزه‌های علوم دینی در مناطق سنی نشین و تأثیرپذیری جامعه اهل سنت از این جریان و تحولات منطقه، ضرورت توجه بیش‌ازپیش به دو مقوله قومیت و مذهب را در جمهوری اسلامی برای تحکیم پایه‌های وحدت ملی و مذهبی نمایان می‌سازد. بر همین اساس موارد زیر در دو سطح ملی و فراملی، به‌عنوان پیشنهادی دارای قابلیت اجرایی و متناسب با مقدرات و توانمندی‌های فعلی موجود در کشور برای مقابله با تهدیدات ناشی از بنیادگرایی در آسیای مرکزی قابل‌ارائه است:

الف) سطح ملی

- تهیه نقشه راهبردی منسجم برای مهار آفندهای تبلیغی گروه‌های بنیادگرا شامل:
 - ✓ آسیب‌شناسی مستمر دیپلماسی رسانه‌ای در حوزه مدیریت پیشگیرانه تهدیدات؛
 - ✓ تقویت زمینه‌های مشترک بین شیعه و سنی و انسجام قومیتی در ایران و جلوگیری از دامن زدن به نقاط افتراق؛
 - ✓ بهره‌گیری مناسب از ظرفیت دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه جهت تولید گفتمان‌های غالب ضد گفتمان بنیادگرایی؛
- تبیین نظام جامع دیپلماسی فرهنگی در ساختار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با نفوذ تفکرات گروه‌های بنیادگرا در بین مردم، به‌ویژه در مناطق سنی نشین و کرد نشین.
- اجرای طرح‌های روشنگری، با استفاده از روشنفکران و افراد دارای نفوذ در سطح جامعه اهل سنت نسبت به ماهیت ضد اسلامی، تروریستی و فتنه‌گرایانه جریان‌های بنیادگرا؛ حامیان و هم‌پیمانان آن‌ها، خنثی‌سازی اقدامات و افشای روابط پنهان آن‌ها با بیگانگان با رویکرد تقویت همگرایی و هم‌افزایی.
- مدیریت مناسب مسائل قومی کشور شامل:
 - ✓ آزادسازی نیروی بالقوه‌ی ناحیه‌گرایی از طریق توزیع قدرت سیاسی اداری ملی در تمامی مناطق جغرافیایی کشور در چهارچوب الگویی متعادل و متوازن؛
 - ✓ برقراری عدالت جغرافیایی و توزیع عادلانه نتایج توسعه ملی در بین بخش مرکزی و مناطق پیرامونی؛
 - ✓ توسعه نهادهای مدنی به‌منظور گسترش مشارکت همه‌جانبه گروه‌های قومی؛
 - ✓ اجتناب از وحدت مکانیکی اقوام و تمرکز بر وحدت استراتژیک؛

ب) سطح فراملی (منطقه‌ای)

- اصلاح برداشت‌های نادرست از محتوای فرهنگ ایرانی - اسلامی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای.
- تأکید بر دیپلماسی آشکار و استفاده از روش‌های نوین دیپلماسی از جمله دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای.
- ایجاد و فعال‌سازی مؤسسات دین‌پژوهی از سوی ج.ا.ا. در مراکز علمی و دانشگاهی کشورهای آسیای مرکزی، تبیین عقلانیت تشیع و ایجاد کرسی‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی.
- احیای برخی سازمان‌های منطقه‌ای همچون اکو و ایجاد تغییرات اساسی در رویه فعالیت آن از انفعالی به فعال و پویا و به اشتراک گذاردن حداکثری منافع اعضا در سازمان مدنظر.
- برگزاری دوره‌های آموزش و تمرینات مشترک نظامی ضد تروریستی با کشورهای آسیای مرکزی در سطوح مختلف و تدوین آیین‌نامه‌های مرتبط با جنگ‌های ضد تروریستی با استفاده از تجربیات جنگ‌های جاری و اخیر در منطقه به‌ویژه در سوریه و عراق.
- استفاده از ظرفیت‌های روسیه (با توجه به تهدید ناشی از فعالیت گروه‌های بنیادگرا در آسیای مرکزی برای منافع سیاسی، اقتصادی و... این کشور در آسیای مرکزی) و تکرار تجربه سوریه در وارد نمودن روسیه به عرصه آسیای مرکزی برای مقابله مؤثر با شکل‌گیری و رشد هرگونه افراط‌گرایی دینی.

منابع

الف- فارسی

کتاب:

- برتون، رولان (۱۳۸۷)؛ قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- حاتمی، تورج (۱۳۸۲)؛ برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: نشر خورزن.
- حسوی، رضا و رمضان، مجید (۱۳۹۱)؛ سرمایه فکری سازمان، تهران: انتشارات آتی نگر.
- کولایی، الهه (۱۳۹۲)؛ جنبش‌های اسلامی در آسیای مرکزی، کتاب دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مقاله:

- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۵)؛ داعش جنبش اسلامی یا در خدمت اسلام هراسی، ماهنامه برآورد، پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی، شماره ۳۵-۳۶.
- ارباب شیرانی، بهروز و عباسی، محمدحسن (۱۳۸۸)؛ تجزیه و تحلیل سرمایه فکری دانشگاه‌ها از دیدگاه مدیریت دانایی، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین‌المللی سرمایه فکری ایران، دانشگاه زنجان.
- اسلامی، محسن، ایاز، بهروز (۱۳۹۶)؛ بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن، تهران: فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۹۳)؛ منابع قومی ناسیونالیسم، واحد ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره اول.
- بهمن، شعیب (۱۳۸۹)؛ بررسی چالش‌ها و موانع منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹.
- پور سعید، فرزاد (۱۳۹۳)؛ علل گرایش به تروریسم انتحاری، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، شماره ۱۷-۱۸.

- جانباز، دیان و شیرخانی، آمنه (۱۳۸۸): آسیای مرکزی: منطقه‌ای پویا برای فعالان امنیتی، مطالعات اوراسیای مرکزی، زمستان و بهار ۱۳۸۸، شماره ۳.
- جهانی، محمد (۱۳۹۲): تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر نقش سلفیت، فصلنامه آفاق و امنیت، شماره ۲۰.
- قرضوای، یوسف (۲۰۰۸): دول کانت سنیه خالصه أصبح فیها شیعه، الشرق الأوسط، رقم ۱۰۸۹۴، ۵۲.
- کاویانی‌راد، مراد، آذر خواه، یداله و شبخانی، عبدالمهدی (۱۳۹۵): تبیین آثار مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران، تهران: فصلنامه جغرافیای سیاسی، شماره ۳.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۴): فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶.
- نصری، قدیر (۱۳۹۴): رادیکالیسم قومی، مذهبی و امنیت ملی متوازن، ماهنامه تخصصی مطالعات امنیت ملی، شماره ۳۳.
- نوایی، فرهاد و شاه‌علی، ملیحه (۱۳۹۱): حزب‌التحریر و آینده اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی از نگاه غرب، دو فصلنامه ایران و اوراسیا، سال ششم، شماره هشتم.

منابع اینترنتی:

- شفيعی، نوذر. ۱۳۹۴/۱۱/۲۵، داعش به افغانستان چه نگاهی دارد؟ سایت اینترنتی دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.irdiplomacy.ir/>.

ب- انگلیسی

Book:

- Cilluffo, Frank J, (۲۰۱۵); Wanted: Foreign Fighters- The escalating Threat of ISIL in Central Asia, Commission on Security & Cooperation in Europe, Center for Cyber and Homeland Security (The George Washington University).
- Lopour, Jacqueline (۲۰۱۵); Geopolitics at The World's Pivot Exploring Central Asian's Security Challenges, The Center for International Government Innovation.



- Chabot, C.(۱۹۹۵); Defining high Technology, Stanford: Stanford Publication of Stanford University.

Article:

- Gasimoglu, Nariman (۲۰۱۷); Religious Freedom the Best Counter to Religious Extremism. Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program A Joint Transatlantic Research and Policy Center.
- Batuman, B. (۲۰۱۰); The shape of the nation: Visual production of nationalism through map in turkey, Political Geography.
- Hidayat, W. Ahmad, J. Bin, & Hamzah, M. I. Bin. (۲۰۱۸); Religion Fundamentalism in Islamic Students. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, ۱(۱).
- Kavianirad, morad (۲۰۱۰); Regionalism in terms of geopolitics, first Edition, Tehran, institute for strategic studies.
- Kavianirad, morad (۲۰۱۱); Geopolitical function Balochistan Iran-Pakistan relations, proceedings of the iran- Pakistan strategic relations, first edition, Tehran, institute for strategic studies.
- Wolff, C. Plessen, B. Dudashvilli, A. S. Breitenbach, S. F. M. Cheng, H. Edwards, L. R. & Strecker, M. R. (۲۰۱۷); Precipitation evolution of Central Asia during the last ۵۰۰۰ years. Holocene, ۲۷(۱).
- Zeno Baran. S. Fredrick starr, Svante. E. Cornell (۲۰۰۶); Islamic Radicalism in Central Asia and the Caucasus: implications for the EU John Hopkins UniverSity, Central Asia and Caucasus institute, Silk Road Studeis Program Paper.
- Chen, J., Zhu, Z & Xie, H. Y. (۲۰۰۴); Measuring intellectual capital: a new model and empirical study, Journal of Intellectual Capital.